

ریحانه کوچک ترین دختر خانواده که اکنون مادر چهار فرزند است، به نقش خانواده در تربیت بچه ها و تأثیر آن ها اعتقاد دارد. «بچه های ما آن چیزی می شوند که ما هستیم، نه آن چیزی که می خواهیم. نمی شود بچه قرآن خوان و حافظ خواست ولی در خانه اصول اعتقادی را رعایت نکرد. برای ما مهم است که بچه ها در چه محیطی بزرگ می شوند. اگر خانواده خوب باشد، بچه هم خوب بزرگ می شود ولی زمانی که وارد مدرسه و اجتماع شد، از اطرافیان یاد می گیرد و نقش دوستان را نمی شود انکار کرد. همه ما فضای مهد کودک و مدرسه را تجربه کرده ایم و می دانیم دوست تا چه اندازه تأثیر می گذارد. برای همین، در خانواده خودمان تلاش می کنیم، راه را به بچه ها نشان می دهیم و با آن ها در چالش ها همراهی می کنیم. اجازه داده ایم خودشان انتخاب کنند و هیچ اجباری در کار نبوده است ولی از دور مراقب آن ها بوده ایم. اعتقاد داریم که مسیر اصلاح بچه ها از خانه و خانواده می گذرد و ما روی آن ها اثر می گذاریم.»

خواهرش، معصومه، با مثالی حرف او را ادامه می دهد. «سالی که وارد مدرسه مسجد شدم، زین من سه ساله بود. هنوز سوره های قرآن را به او یاد نداده بودم و فقط سر برنامه صبحگاه که با بچه ها آیه الکرسی می خواندیم، او هم بود و این آیه ها را حفظ کرده بود. برای خودم این موضوع واقعا عجیب بود که بچه توانسته بود با مجاورت و همراهی، بدون آموزش فقط با گوش کردن حفظ شود. این تأثیری است که محیط بر بچه های ما می گذارد و باید مراقب آن باشیم. خیلی از بچه ها متأسفانه از همین محیط چیزهایی را جذب می کنند که ذهن آن ها را تخریب می کند و آینده ای برایشان نخواهد داشت. ما سعی می کنیم از همان دوران بارداری، همه چیز را رعایت کنیم و با توسل به ائمه^(ع)، این بچه ها بزرگ می شوند.»

شادی اولویت زندگی ماست

۲۵ ذی حجه و روزتکریم خانواده بهانه ای شد تا خواهران بیانی

از روزهایی بگویند که به ترویج مهرمادری و خانواده دوستی در جامعه می پردازند

ساعت حدود ۲ ظهر است. زنگ طبقه سوم را می زنم. خانمی با عجله در را برایم باز می کند. آسانسور از طبقات بالا می رود. هیچ صدایی نمی آید. حتی از پشت در هم صدایی به گوش نمی رسد. انگار نه انگار یازده بچه قد و نیم قد در این خانه هستند! در می زنم. باز که می شود، به چند دهه قبل می روم و تازه می فهمم دلیل این سکوت چیست!

روبه رویم در ست وسط پذیرایی سفره ای پهن است که بچه های قد و نیم قد دور آن نشسته اند. یکی از مادران مشغول تقسیم غذا برای بچه هاست. یکی از بچه ها می گوید فقط آب خورشت می خورد. آن یکی گوشت بیشتر می خواهد. یکی دنبال ته دیگ است و این وسط مادر با حوصله برای تک تک آن ها غذا می ریزد. این کارش که تمام می شود، مشغول غذا دادن به یکی از بچه های کوچک تر می شود. تازه غذای بچه ها که تمام می شود، خودش و دو خواهر دیگرش که تا قبل از این مشغول نگهداری از بچه های کوچک تر و جمع و جور کردن اطراف بودند، مشغول غذا خوردن می شوند. البته اگر بچه ها که حالا غذایشان تمام شده است، بگذارند!



لیلا جان قربانی

ماجرای چیست؟

خواهران بیانی زنانه اجتماعی، همسرانی قانع و مادرانی سخت کوش هستند که سبک زندگی خود را بر پایه علوم اسلامی چیده اند. آن ها بیش از شش سال است در مجموعه تربیتی حضرت روح... مشغول آموزش و ترویج خانواده مداری هستند. معصومه بیانی، خواهر بزرگ تر، مدیریت مدرسه در مسجد این مجموعه را برعهده دارد و دو خواهر دیگر به عنوان مربی با او همکاری می کنند. این سه خواهر یازده فرزند دارند و به این مادری افتخار می کنند. همسران آن ها نیز در این مسیر همراه و مشوق آن ها هستند.

شهربانو

۲۵ ذی الحجه ۱۴۴۴ شماره ۳۷۲۰
۳ مرداد ۱۴۰۱

مسیر مشخص است؛ چرا گم شویم؟

معصومه که خواهر بزرگ تر است سرحرف را از مکانی آغاز می کند که حلقه گمشده زندگی امروزهای ماست. «بنابر فرمایش پیامبر^(ص)، تعلیم و تربیت باید در مساجد باشد و حلقه های آموزشی باید در این مکان برپا شود. آموزش در مسجد و فراگیری علوم از این مکان مقدس قطعاً بر روند زندگی بچه ها تأثیر بسزایی خواهد گذاشت. برای همین، من و خواهرانم برنامه اصلی ای که در پیش گرفته ایم آموزش بچه های خودمان از مسجد و ارائه آموزش به دیگران از همین مکان است. آموزش ها سازمان یافته تر و بر پایه مبانی علوم قرآنی هستند. دانش آموزان دیگر دروس را هم فرامی گیرند اما آنچه در نهایت برای آن ها باقی می ماند، علومی است که گره گشای زندگی آن هاست. علاوه بر این، سیستم آموزشی در مساجد این گونه است که بچه ها در همه لحظات زیر نظر مربی هستند. حتی زنگ تفریح آن ها هم همراه با مربی است و همه برنامه ها حتی اردوها همراه با مربی و آموزش است. از طرفی دیگر، خیال خانواده ها هم جمع است که بچه هر چیزی را در این مسیر یاد نمی گیرد زیرا خانواده هایی در مسجد رفت و آمد می کنند که سطح اعتقادی یکسانی دارند. همین سطح باعث می شود بچه در مسجد هر چیزی را یاد نگیرد.»

پرورش حافظ قرآن

زهره نیز که همسرش مؤسس این مجموعه تربیتی است، با خواهرش هم عقیده است. او به دنبال تربیت فرزندان است که حافظ قرآن باشند. «بنا به فرمایش رهبر معظم انقلاب، باید حافظ قرآن پرورش دهیم. همه کارها در کنار قرآن است. حفظ و مرور و مباحثه در همین مسجد انجام می شود و بچه ها در خانه فقط صوت گوش می دهند. همین گوش کردن به قرآن در خانه باعث شده است خیلی از خانواده ها هم جذب قرآن شوند و حفظ را شروع کنند. ما بچه هایی داشتیم که تا کلاس چهارم حتی یک آیه از قرآن را حفظ نکرده بودند اما یک سال اینجا کار کردند و حافظ جزء سی ام شدند. در زندگی چه چیزی ارزشمندتر از این است که آدم وقت خود را برای آن بگذارد؟ خیلی وقت ها وقت بچه ها صرف آموزش مباحثی می شود که در آینده آن ها هیچ نقش مؤثری نخواهد گذاشت. عمر ما و بچه های ما می گذرد و چه بهتر که در راه صحیح و با استفاده و بهره مفید بگذرد. الان دختر پنج ساله خواهرم از وقتی سر کلاس با بچه های پیش دبستانی می نشیند، بیست سوره حفظ کرده است.»

